

## معرفیهای اجمالی

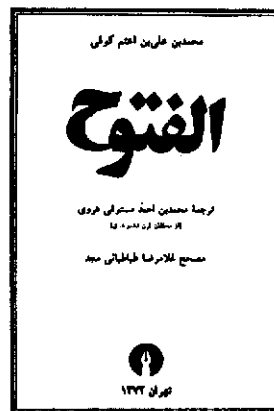
نخست که به نام «الفتوح» از آن یاد شده از مآخذ بحارالانوار است و مجلسی در آخر فصل اول، که ویژه منابع است، آن را از نوشته‌های اهل سنت شمرده و همراه تاریخ طبری و تاریخ ابن خلکان یاد کرده است. گویا مجلسی از متن عربی کتاب نقل می‌کند و نه از فارسی آن که درباره آن سخن خواهیم گفت. نویسنده کشف الظنون این کتاب را در ذیل عنوان «فتوحات الشام» یاد کرده و گفته است: درباره این موضوع - فتوحات شام - ابو محمد احمد بن اعثم نیز کتابی نگاشته و این کتاب را احمد بن محمد منوفی به فارسی برگردانده است. آنگاه نویسنده کشف الظنون به گونه مستقل از این کتاب نام برده و اسم نویسنده آن را تصحیف کرده و نوشته است: فتوح اعثم، تألیف محمد بن علی، معروف به ابن اعثم کوفی و ترجمه آن از احمد بن محمد منوفی است. (ج ۲، ص ۱۲۳۹). من [نویسنده الذریعه] می‌گویم شکی نیست که این کتاب «الفتوح» ترجمه شده به پارسی با فتوحات الشام، که حاج خلیفه قبلاً از آن یاد کرده است، یکی است و نویسنده هر دو کتاب نیز یک تن است که ابو محمد احمد بن اعثم باشد و یاقوت نیز او را به همین نام خوانده و به نام پدرش، که بدان شهرت دارد، نسبت داده است. (الذریعه، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۰؛ راهنمای کتاب، سال نوزدهم، ص ۴۴۷).

علامه تهرانی در ادامه گفتارش درباره چگونگی ترجمه و تصحیفی که در نام مؤلف در آثار کتابشناسی روی داده است توضیحاتی افزوده‌اند. نگاشته شیخ آقابزرگ، چنانکه برخی از محققان گفته‌اند (راهنمای کتاب، پیشگفته) تقریباً جامع‌ترین و بهترین تحقیقی است که درباره الفتوح و ترجمه آن انجام گرفته است. کتاب «الفتوح» از رحلت پیامبر اکرم - ص - آغاز می‌شود و بر اساس دو چاپ عربی موجود آن تا روزگار معتصم پیش می‌رود. تاریخ ابن اعثم بنا به قول اکثر محققان و مورخان دوره اسلامی، یکی از معتبرترین متون تاریخ اسلام است.

### الفتوح

محمد بن علی بن اعثم کوفی. ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی. تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد. (تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲). ۱۰۸۶ ص، وزیری. این کتاب اثر ارجمند ابن اعثم کوفی است که یاقوت

حموی از آن تحت عنوان «الفتوح» یاد کرده (الذریعه، ج ۳، ص ۲۲۰) و کاتب چلبی آن را با عنوان «فتوحات الشام» ضبط کرده است (کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۲۳۷). کتابشناس بزرگ، علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، درباره آن نوشته‌اند:



ابو محمد احمد بن

اعثم اخباری، مورخ در حدود سال ۳۱۴ درگذشته است. یاقوت حموی در «معجم الادباء» از وی بدین سان یاد کرده و گفته است او شیعی مذهب بوده است. یاقوت از نگاشته‌های او، الفتوح را، که منتهی به روزگار هارون رشید (م ۱۹۳) می‌شود یاد کرده است و نیز «کتاب تاریخ» را که از روزگار مأمون (م ۲۱۸) آغاز و به روزگار مقتدر (م ۳۲۰) پایان می‌پذیرد. یاقوت می‌گوید هر دو کتاب را دیده و احتمال داده است که مؤلف، کتاب دوم را به گونه پیوست کتاب نخست نگاشته است. من [نویسنده الذریعه] می‌گویم کتاب

گزارش‌های آن، بویژه از تاریخ عرب از زمان عثمان تا دوران هارون الرشید، و آنچه با عراق، فتح خراسان، ارمنستان، آذربایجان و جنگ‌های اعراب با خزرها و روابط بین آنان و روم شرقی (بیزانس) پیوند می‌خورد، منبع مهم و بنیادی شمرده شده است. (دانشنامه ایران و اسلام، ج ۳، ص ۴۲۴). آقای دکتر محمدحسین روحانی که سالها پیش و بمناسبت نشر برخی از مجلدات عربی کتاب الفتوح، مقاله‌ای جامع درباره ابن اعثم، الفتوح و ترجمه آن نگاشته‌اند، درباره ارزش تاریخی آن می‌نویسند:

تاریخ ابن اعثم ... دارای دقتی تاریخی، گزارشی مفصل و بیانی دلنشین و شیرین است که پژوهنده را با جزئیات حوادث آشنا می‌سازد و رازهایی را بر وی آشکار می‌کند که در کمتر منبعی از منابع اولیه تاریخ اسلام نظیر آن را می‌توان یافت. (راهنمای کتاب، پیشگفته، ص ۴۶۳)

ترجمه کتاب: آنچه تا بدینجا آوردیم، به یمن چاپ متقح، مصحح و چشم‌نواز ترجمه کتاب ابن اعثم بود. یادآوری کنیم که این ترجمه از آغاز کتاب است تا بازگشت اسیران خاندان رسالت به مدینه و پس از آن روایاتی درباره شهادت حضرت اباعبدالله الحسین-ع. ترجمه کتاب گویا نخست بار به سال ۱۳۰۰ قمری در بمبئی به چاپ رسید و پس از آن در سال ۱۳۰۵ نیز نشر یافته است. در سال ۱۳۷۹، کتابفروشی ادبیه تهران آن را به گونه افست منتشر کرده و تصریح کرده است که اغلاط چاپی نسخه بمبئی را به طور دقیق برطرف ساخته است (راهنمای کتاب، پیشگفته).

اکنون دانشور ارجمند حضرت غلامرضا طباطبائی مجد آن را با هشت نسخه خطی مقابله، تصحیح و تحقیق کرده، و انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی همت ورزیده و با بهترین وجه آن را نشر داده است، مقابله و مقایسه ترجمه با متن کتاب نشان می‌دهد که مترجم در مواردی در محدوده متن کتاب نمی‌ماند. به تعبیر دیگر، ترجمه وی از کتاب، ترجمه‌ای آزاد با نثری بلیغ و عباراتی دلنشین و استوار است. آنچه راوی در آغاز کتاب (ص ۳) آورده و دیگرگونی امت و تحیر صحابیان را با آن به گونه‌ای بس دلپذیر نشان داده و اشعاری که یاد کرده و با نثری زیبا ترجمه کرده، همه و همه در متن جز با اشاره‌ای نیامده است. ادامه آن نیز تا استقرار خلافت بر ابوبکر چنین است، آیا نسخه موجود عربی افتادگی داشته است؟ هنگامه هجوم به خانه

عثمان را نیز قصه گویانه و هنرمندانه تصویر کرده و چیزهایی بر آن افزوده و گزارش‌ها و اشعاری را افکنده است. (ص ۳۸۱-۳۸۰، مقایسه کنید با ج ۲، ص ۴۲۶-۴۲۷ متن عربی و ... چاپ دارالاضواء). و چنین است آنچه در ذیل عنوان «بیعت با علی (ع)» در ص ۳۸۹ آمده است و در متن عربی (ج ۲، ص ۴۳۴) ذیل عنوان «ذکر بیعة علی بن ابیطالب (ع)» آمده است. و ...

در اینکه ترجمه کتاب از آن یک نفر است و یا دو نفر نیز در منابع کتابشناختی گفتگوست. مصحح کتاب در این باره بتفصیل سخن گفته است. (ص هیجده-بیست و پنج). ترجمه کتاب از آثار سامان یافته در قرن ششم هجری است. مصحح دانشمند کتاب پس از توضیحی درباره چگونگی ادب پارسی در آن روزگار به ارزش ادبی کتاب اشاره کرده و می‌نویسد:

در سرتاسر این ترجمه، نمونه‌هایی جالب از صنعت سجع را بخوبی مشاهده می‌کنیم ... بنیاد کتاب بر سلاست و روانی استوار است، و تلاش مترجم در این راستا بر آن بوده که متن را بدور از لغات و ترکیبات پیچیده و کشدار در دسترس خواننده قرار دهد. عبارتهای فصیح آن، چه در تعریفات و چه در توضیحات و ذکر نکات و داستانها، چنان آمده است که نه می‌توان بدون اخلال مطلب چیزی از آن کاست و نه می‌توان با افزودن عبارتی بر وضوح مطلب افزود ...

مترجم در آغاز کتاب اشعاری از ابوالهیثم بن التیهان در تشریح اوضاع نابسامان بعد از رحلت رسول الله-ص- و طغیان پیامبران دروغین آورده است که در متن عربی نیست. ترجمه بخشی از آن را بدین گونه نوشته است:

مُسَلِّمَه کَذَّابِ مِی غَرَّد و مِی خَرُوشد و جِوشنِ مَحَارِبِه و مَقَاتِلِه مِی پُوشد و بِه قَدَرِ وَسَع و اَمْکَان بِه دَسْت و زَبَان مِی کُوشد و طَلَّیْحَه بِن خُوَیْلِد کَاسَه اَو مِی لَیْسَد و بَا اَو بِه یَک دُوک مِی رِیْسَد. (ص ۴).

بخشی از سفارش خلیفه اول بر خالد بن ولید را چنین آورده است:  
چون نزدیک آن بلد رسیدی، و آواز بانگ نماز شنیدی،

شمشیر مکش و مردم مکش. (ص ۱۳).

خیره سربها و تجاوزکاریهای خالد بن ولید را چنین ترسیم کرده است:

خالد بن ولید پس از قتال و انتقام، به جمع غنائم و اغنام مشغول شد. نه زن گذاشت و نه فرزند، نه خویش، نه پیوند، نه مال، نه متاع، نه ملک، و نه ضیاع. (ص ۱۸). حضور ابودجانه را در آوردگاه مسلمانان با مسلمیه چنین تصویر کرده است:

ابودجانه در پیش صف می آمد، چون شیر ژیان و پیل دمان و ببر بیان، رجزی بر زبان و رمحی بر بنان، چنان جنگی کرد که چشمهای ناظران خیره ماند. جویی خون در میان راند. (ص ۲۵).

فراخوانی عبّاد بن بشر انصاری را برای نبرد با آنان چنین آورده است:

ای معشر انصار و ای مجمع اخیار، دل از جان بردارید، و شمشیرها از نیام برکشید و خویشتن را در این باغ در افکنید تا دمار از کفار برآید و جهان به نام نیکو سر کنید. (همان).

سرتاسر کتاب آکنده است از ترکیبات بکر، عبارات دلنشین مسجع، ضرب المثلهای زیبا و گویا و اشعاری استوار که به بهترین وجه در میان متن گنجانیده شده اند. بدین سان ترجمه الفتوح به گفته مصحح دانشمند آن با اشمال بر واژه ها، تعبیرات، ترکیبات و ضرب المثلهای فصیح فارسی، گنجینه ای است سرشار از گرانبهاترین گوهرهای دریای بیکران زبان و ادب فارسی.

تصحیح کتاب: چنانکه پیشتر گفتیم، مصحح، کتاب را با مراجعه به هشت نسخه خطی و نسخه چاپی مقابله، تصحیح و تحقیق کرده و در پانوشتها اختلاف نسخه ها را ضبط کرده اند. مصحح دانشمند کتاب تعلیقات مفصل و سودمندی نیز بر کتاب نگاشته و در نگارش این توضیحات و تعلیقات کوشیده است تا بر تمام اعلام (امکنه، اشخاص) و نکات تاریخی و مذهبی مطرح شده در متن شرحی مختصر و مفید بنویسد. وی در تدوین این یادداشتها به منابع کهنی مانند فتوح البلدان بلاذری، ترجمه البده و التاریخ (آفرینش و تاریخ) مقدسی، مروج الذهب مسعودی، البیان والتبیین جاحظ، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و ... مراجعه کرده است. فهرست اعلام، اماکن

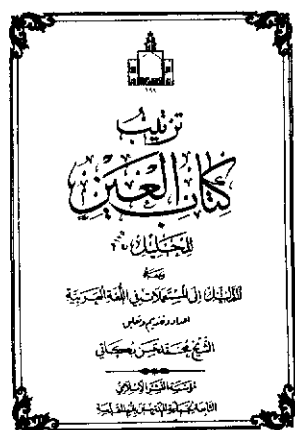
و قبایل، یکجا با عنوان «نمایه» آمده است که بسیار دقیق است و سودمند. حروفچینی، چاپ و صحافی کتاب نیز در نهایت دقت و نفاست انجام شده است. یادآوری می کنم که، مصحح محترم در آغاز مقدمه خود می نویسد: «... از زمان رحلت حضرت رسول (ص)، تا زمان خلافت هارون الرشید... اما چنانکه گفتیم بر اساس هر دو چاپ متن عربی، کتاب تا زمان المعتمد پیش رفته است.

ظاهراً مصحح محترم متن عربی کتاب را ندیده اند، اگر بدان دست می یافتند و ترجمه را با آن مقابله می کردند، بی گمان در داوریهای مختلف درباره ترجمه و چگونگی آن مفید می توانست باشد. توفیق تلاشگران عرضه این اثر ارجمند افزون باد.

محمدعلی مهدوی راد

### ترتیب کتاب العین

للخلیل و معه الدلیل الی المستعملات فی اللغة العربیة. اعداد و تقدیم و تعلیق محمدحسن بکائی. (الطبعة الاولى: قم، مؤسسة النشر الاسلام، ۱۴۱۴). ۱۰۹۷+۵۴ ص، رحلی.



العین کهنترین مجموعه لغوی و دیرینه ترین فرهنگ واژه ای و منبع و مرجع فرهنگها و لغتنامه ها در فرهنگ اسلامی است. مؤلف آن، خلیل بن احمد فراهیدی، ادیب بزرگ و دانشمند وارسته شیعی از اصحاب امام صادق-ع- بنیادگذار دانش عروض و از

پیشوایان علم و ادب و استاد سیبویه و بسیاری دیگر از ادیبان بوده است.

شرح حالنگاران و عالمان خلیل ابن احمد را به ابتکار، خلاقیت، گستردگی دانش و داشتن ذهن وقاد و اندیشه بلند

ستوده اند. یاقوت حموی می‌گوید: «خلیل بن احمد، آقا و سرآمد ادیبان در دانش و زهد است». (معجم‌الادباء، ج ۱۱، ص ۷۳). و علامه حلی او را در ادبیات برتر از همگان شمرده و گفتارش را در علم و ادب حجت می‌داند. (خلاصه، ص ۶۷).  
 شیخ بهاء می‌گوید: «خلیل، جلیل‌القدر، بزرگ منزلت و بنیادگذار دانش عروض است». (ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۲۵۱).  
 چنانکه پیشتر گفتیم، العین اولین کتابی است که با نظم و ترتیب ویژه‌ای و با رعایت حروف هجا در نظامی خاص بخش عظیمی از واژه‌ها را گرد آورده و معنا کرده است. خلیل بدین شیوه با توجه به مخارج حروف، آهنگ آنها و ساختار واژگانی و صوتی کلمات راه برده است. (المعجم‌العربی، نشاته و تطوره، حسین نصّار، ص ۱۹۵-۱۹۶). افزون بر خود خلیل که در آغاز العین از چگونگی شیوه تنظیم و چرایی گزینش این شیوه سخن گفته است، از دیرباز محققان نیز به شیوه خلیل توجه کرده و چگونگی ابتکار وی را در این زمینه بازگفته‌اند. (کتاب العین، ج ۱، ص ۴۹ به بعد؛ المزهج ج ۱، ص ۸۹ به بعد؛ المعجم‌العربی نشاته و تطوره، ص ۱۹۴؛ المعاجم‌اللغویة العربیة: بدائتها و تطورها، ص ۴۵).

برخی از کسان، بویژه کسانی از مستشرقان، بر این پندار رفته‌اند که خلیل این شیوه را از دیگران برگرفته است. آقای حسین نصّار این مطلب را نقل کرده و بتفصیل به نقد و تزییف آن پرداخته است. (المعجم‌العربی، ص ۱۷۷).

به هر حال، العین با حروف حلق آغاز می‌شود و از میان آنها با حرف «ع»، بر این اساس کتاب باب بندی شده است؛ مثلاً باب العین مع المیم و... در این ترتیب ابتدا «ثنائی‌ها» می‌آید و بعد ثلاثی و... در گزارش معانی واژه‌ها در آغاز کلمات، مستعملات از آن حروف نشان داده می‌شود و بعد واژه‌های سالم می‌آید و سپس معتل. بدین گونه کلمه‌های ثنائی دو شکل بیشتر نخواهند داشت. مثلاً ع ط، عط و طع و اما ثلاثیها شش شکل پیدا خواهند کرد. عقف، عفق، قعف و... در هر کلمه‌ای وقتی شکل‌های متصور را یاد می‌کند، مستعملها و مهملهای آن را نیز نشان می‌دهد و آنگاه در تبیین مستعملها وارد تحقیق می‌شود. و از شعر و نثر در توضیح آنها بهره می‌گیرد. العین از آن رو که در زمان صدور روایات نگارش یافته است، در تبیین معانی واژه‌ها و بازشناسی لغات احادیث بسیار کارآمد تواند بود؛ چرا که همان گونه که متخصصان فن گفته‌اند:

در بازشناسی واژه‌ها و ترجمه لغات، باید از فرهنگها و معاجمی استفاده شود که همزمان با متن یا نزدیک به آن نوشته شده است... زیرا زبان، چون درختان کهنسال است که پیوسته از آنها برگ می‌ریزد و بر آنها برگ می‌روید. (ادبیات و تعهد در اسلام، ص ۶۳).  
 کتاب العین از دیرباز مورد توجه عالمان و محققان بوده است. گو اینکه بحث در انتساب آن به خلیل بسیار کهن است، و بحث از چگونگی تدوین آن نیز پیشینه کهنی دارد، اما ظاهراً محققان فی‌الجمله در انتساب آن به خلیل تردید ندارند. (المزهج، ج ۱، ص ۹۰)؛ لغتنامه دهخدا، مقدمه، ص ۲۳۳؛ کتاب العین، ج ۱، مقدمه، ص ۱۸). تاثیر العین در پژوهشهای لغوی و بهره‌وری فرهنگنامه نگاران واپسین از آن از مسائلی است که عالمان بدان اشاره کرده و ابعاد آن را شناسانده‌اند (العین، پیشگفته، ص ۱۶).

در سال ۱۹۱۴ میلادی (۱۳۳۲ هجری) اب انستانس ماری الکرملی در بغداد به چاپ کتاب العین همت گمارد و جزوه‌هایی در ۱۴۴ صفحه منتشر کرد. ولی با شروع جنگ بین‌المللی اول و غارت و حریق چاپخانه، انتشار آن متوقف گردید. (لغتنامه، پیشگفته). پس از آن، دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی دامن همت به کمر زده و کتاب را بر پایه سه نسخه، مقابله، تصحیح و تحقیق کردند و در پانوشتها غالباً مصادر اشعار را یاد کرده، با تطبیق متن العین با متون لغوی و بویژه با «التهدیب» زهری، که از العین بهره‌های فراوانی برده است، در استوارسازی متن کوشیدند و آن را در هشت جلد منتشر کردند. این چاپ در سال ۱۴۰۵ هجری در ایران به وسیله انتشارات هجرت منتشر شد و این بنده معرفی کوتاهی از آن نگاشت. (مجله حوزه، شماره ۱۳). ناشر بر این چاپ جلد نهمی افزود، شامل فهراس متعدد و کارآمد که از آن و چگونگی نیز پیشتر سخن گفته‌ایم. (آینه پژوهش، شماره ۱، ص ۸۴). با آنچه پیشتر یاد کردیم، روشن است که واژه‌یابی در این فرهنگ کار دشواری است. این مشکل را محققان کوشیده‌اند با فهرست الفبایی دقیقی که در پایان هر جلد

آورده اند حل کنند، و ناشر ایرانی با تنظیم فهرس متعَدّی که آغازگر آن فهرست واژه‌ها بر اساس حروف معجم است.

اکنون چاپ سودمند و کارآمد دیگری در پیش روی داریم با عنوان ترتیب کتاب العین که آقای بکائی آن را تنظیم کرده و با فواید دیگر یکجا و در یک جلد نشر داده‌اند. در این چاپ تمام واژه‌ها بر اساس حروف الفبا و با توجه به حرف آغازین واژه‌ها تنظیم شده و مشکل واژه‌یابی در «العین» یکسره زدوده شده است. آقای بکائی پانوشتهایی آورده و هیچگونه تغییری در متن روا نداشته‌اند و در پایان فهرست مجلدات هشتگانه چاپ بغداد را به همان گونه که واژه‌ها در متن یاد شده‌اند، آورده‌اند.

کتاب العین را فراتر از کتاب لغت، باید دائرة المعارف گونه‌ای دانست در تفسیر آیات، تبیین واژه‌های دشواریاب احادیث، توضیح جایها، قبیله‌ها، مذہبها و ... . آقای بکائی با فهرستهایی دقیق که به ترتیب العین افزوده‌اند، این فواید و اطلاعات ارجمند نهفته در العین را در پیشدید محققان نهاده‌اند. فهرس کتاب بدین قرار است.

۱. فهرست آیات قرآنی، که بر اساس سوره‌ها تنظیم شده و جای آنها در کتاب نشان داده شده است.
۲. فهرست احادیث، این فهرست نشان می‌دهد که بر روی هم در «العین» ۲۹۹ حدیث تبیین و تفسیر شده است.
۳. فهرست امثال که در مجموع ۳۴ مثل در العین آمده است.
۴. فهرست اعلام، نامها، کنیه‌ها، لقبها، و روزهای مشهور در تاریخ عرب.
۵. فهرست قبیله‌ها، اقوام، محلّه‌ها، مذہبها و فرقه‌ها.
۶. جایها، شهرها، کوهها، جویبارها، آبها، چاهها و ...
۷. فهرست اشعار، اشعاری که گویندگان آنها روشن است، اشعاری که گویندگان آنها مشخص نشده است.

پیشتر گفتیم خلیل در ذیل واژه‌ها نشان می‌دهد که چه ترکیبی از حروف در ادب عربی مستعمل است. آقای بکائی این مجموعه را گرد آورده و رساله‌ای پرداخته‌اند با عنوان «الدلیل الی المستعملات فی اللغة العربیة علی اساس کتاب العین» و آن را در پایان این کتاب چاپ کرده‌اند. آقای بکائی با این ترتیب کتاب العین را سهل الوصول ساخته و با فهرس دقیق، سودمند و کارآمدی که تنظیم کرده بهره‌وری از مطالب و اطلاعات نهفته در صفحات زرین این اثر ارجمند را افزون کرده‌اند.

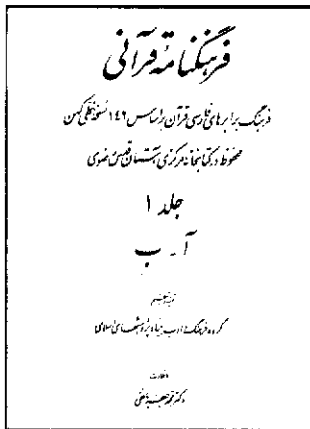
محمدعلی مهدوی راد

## فرهنگنامه قرآنی

تهیه و تنظیم گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهشهای اسلامی. زیر نظر محمدجعفر یاحقی. (چاپ اول: مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲). ج ۱: آ-ب، هشتاد و هشت + ۳۷۲ ص، وزیری. تصویر، جدول.

«سلمان فارسی از مصطفی - صلی الله علیه و سلم -

دستوری خواست تا قرآن به پارسی به قوم خویش نویسد. وی را دستوری داد. چنین گفتند که وی قرآن بنیشت و پارسی آن اندر زیر آن بنیشت. آنگه آخر آن بنیشت: هذا القرآن الَّذی أنزلَ عَلَی مُحَمَّدٍ، این است قرآن که فرو فرستیده آمده است بر محمد - صلی الله علیه و سلم.



آنچه گذشت، سخن ابوالمظفر شهفور اسفراینی در کتاب تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم است. اگر این سخن اسفراینی را شواهد تاریخی تأیید کند، می‌بایست پیشینه ترجمه قرآن را بسیار دیرینه و همزمان با نزول آن دانست. به هر رو، ترجمه قرآن همواره مورد نظر دانشمندان بوده و شاهدش اینکه صدها ترجمه قرآن، که مربوط به قرنهای گذشته است، در دست است و در عصر حاضر نیز دهها ترجمه از قرآن شده است.

کتاب حاضر با عنوان فرعی «فرهنگ برابره‌های فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن محفوظ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی»، دستمایه سودمندی برای همه قرآن پژوهان و بالخصوص مترجمین قرآن است. پایه گذار تدوین این فرهنگنامه مرحوم دکتر احمدعلی رجایی بوده است که در سال ۱۳۴۸ طرح آن را ریخت و چندی به همراه تنی چند از دانشجویان به کار آن پرداخت و سوگمندان ادامه نیافت. سپس به اهتمام گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهشهای اسلامی و با

نظارت آقای دکتر محمدجعفر یاحقی این کار عظیم پی گرفته شد و اینک جلد نخست آن منتشر گردید.

روش ترتیب و تفکیک کلمات قرآن در فرهنگ حاضر بر اساس کتاب المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن کریم است؛ یعنی کلمات (مدخلها) به شیوه الفبایی (ابتسی) و صرف نظر از ریشه و ماده آن مرتب شده است. سپس ترجمه هر کلمه در مقابل آن آمده و با ذکر شماره، مشخص شده است که آن ترجمه مربوط به کدام ترجمه قرآن است. بدین ترتیب در مقابل هر کلمه قرآن - که برای تسهیل در دستیابی، بخشی از آیه موضع کلمه هم آورده شده - لااقل یک ترجمه و حداکثر حدود بیست ترجمه آن آورده شده است. البته از آوردن ترجمه‌های مکرر یک کلمه خودداری شده و تنها ترجمه‌های متعدد، آن هم به ترتیب تاریخ، به دست داده شده است. در مقدمه کتاب نیز جدولی تنظیم شده و قرآنهاي خطی این فرهنگنامه - که ترجمه‌های آنها آورده شده و مشتمل بر ۱۴۲ عدد است - به اجمال معرفی و به نام کاتب و تاریخ کتابت و ویژگیهای تزئینی و رسم الخط آن اشاره رفته است. ترجمه‌هایی که در مقابل هر کلمه قرآن آورده شده، برگرفته از همین قرآنهاي مترجم است که کهنترین ترجمه مربوط به نیمه دوم قرن پنجم و آخرین آنها مربوط به قرن سیزدهم است.

اهمیت و فایده این اثر بر کسی پوشیده نیست. خواننده با مراجعه به این فرهنگنامه گرانقدر به برابری فارسی متعددی در مقابل هر کلمه قرآن دست می‌یابد و تنوع برابری فارسی بر دایره واژگانی او می‌افزاید. افزون بر این، مترجمان قرآن با مراجعه به این فرهنگنامه در گزینش برابری فارسی امکان بیشتری خواهند یافت و با دستمایه ارزشمندی به ترجمه و گزینش برابری می‌پردازند.

در پایان برای آشنایی بیشتر با این فرهنگنامه، برابری کلمه «انصح» (أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ؛ اعراف، ۶۲) را از آن می‌آوریم: نیک خواهم (ترجمه ظاهراً قرن چهارم)، نیک می‌خواهم (ترجمه ظاهراً قرن پنجم)، نیک می‌خواهم (ترجمه قرن پنجم)، نیک می‌خواهم (ترجمه ظاهراً قرن هفتم)، نیک می‌خواهم (ترجمه ظاهراً قرن هشتم که احتمالاً «می‌خواهم» تصحیف به «می‌خوانم» شده است)، نیک خواهی همی کنم (ترجمه ظاهراً قرن دهم)، نیک خواهم من (ترجمه ظاهراً قرن

یازدهم).

همان گونه که گذشت، ترجمه‌های مکرر یک کلمه در فرهنگنامه حاضر نیامده است؛ با وصف این نشان دادن خصائص گویشی و املائی، ترجمه‌های واحدی که با چند اعراب و املا می‌باشد، در حکم غیر مکرر قلمداد و آورده شده است. برای نمونه می‌توان به ترجمه‌های همان کلمه «انصح» اشاره کرد که تنها «نیک خواه هستم» و «پند می‌دهم» ترجمه‌های متفاوت هستند و بقیه مترادف با ترجمه نخست و تنها به لحاظ گویشی و املائی متفاوتند.

عبدالمحمد نبوی

### سیر فلسفه در جهان اسلام

ماجد فخری. ترجمه فارسی. (چاپ اول: تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲). ۴۳۷ص، وزیری.

درباره تاریخ فلسفه اسلامی کتابهای معدودی به فارسی هست که هر یک در حد خود مفید است. از آن جمله مرکز نشر

دانشگاهی، پیشتر، چهار مجلد تاریخ فلسفه اسلامی (گردآوری م. م. شریف) را چاپ کرده که برای اهل مطالعه متوسط الحال مفید است. کتابی که در این گفتار به اختصار معرفی می‌شود، نظر به اینکه با یک قلم نوشته شده و نظر نافذتری داشته، رغبت اهل فن را برای تورق

برمی‌انگیزد، بخصوص که فصول متعدد آن هر یک به قلم مترجمی که متخصص یا ذیعلاقه در موضوع آن فصل است، ترجمه شده و کلاً کتابی یکدست و ارزشمند از کار درآمده است.

عناوین عمده کتاب، بر روی هم، همچنانکه بعضی مترجمان کتاب هم اشاره کرده‌اند، دیدگاه عرب‌گرایانه مؤلف را

## سیر فلسفه در جهان اسلام

ماجد فخری

نشان می دهد. مؤلف لبنانی است و اصل کتاب را به انگلیسی نوشته (ر. ک: مقاله کامران فانی در نشر دانش، مهر و آبان ۷۲، ص ۴۰). این اشتباه یا تعمد تاسف انگیز است که هر چه به عربی نوشته شده، نویسنده اش عرب است یا جزء علوم و فرهنگ عرب شمرده می شود، از همان صفحات اول کتاب تا آخر پدیدار است و با آنکه برای اهل مطالعه و تحقیق و حتی برای خود مؤلف روشن است که «تقریباً همه شخصیت‌های برجسته اسلام، ایرانی تبار بودند» (ص ۵۳) مع الوصف همو می نویسد: «ناچیزی نسبی عنصر مابعدطبیعی ایرانی در اندیشه اسلامی آشکار است». (همانجا). و همو می نویسد: «فلسفه اسلامی حاصل جریان فکری مرکبی است که در آن سریانیان و عربها و ایرانیان و ترکان و بربرها و دیگران شرکت فعالانه داشته اند لکن عنصر عربی این جریان فکری به قدری غالب است که سزاوار است آنرا فلسفه عربی بنامیم». (ص ۷). این عبارت از یک محقق منطقی شگفت انگیز است. ما برای روشن شدن مطلب، خوانندگان را به کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران استاد مطهری ارجاع می دهیم.

و در همین مایه است کم توجهی مؤلف به فلسفه شیعی- ایرانی متاخر و نیز اندیشه معاصر ایرانی- که دکتر حداد عادل نیز اشاره کرده اند. (ص ۳۹۴).

نکته ای دیگر که بر مؤلف می توان گرفت کم گویی و ایجاز مغل است که مخصوصاً در فصل تصوف (ص ۲۶۵- ۲۵۲) آشکارا به چشم می خورد. نظم زمانی و نظم منطقی رعایت نشده، مثلاً اخوان الصفاء را باید پیش از ابن سینا شرح می داد. حتی فیلسوفان حوزه ابوسلیمان سجستانی (فصل ششم) را هم باید بعد از فارابی و پیش از ابن سینا مطرح می کرد؛ چون این دو جریان در تکامل فلسفه در فاصله فارابی تا ابن سینا تاثیر آشکار داشته است.

اهمیت دادن به ابن رشد (ص ۲۹۰ به بعد) که او هم عرب نبوده، بلکه اندلسی بوده است، از نوعی دید اروپا مرکزبینی سرچشمه می گیرد؛ چون ابن رشد ارسطو را بهتر فهمیده و چون در مسیر تحول فکری غرب منجر به رنسانس نقشی داشته است، نویسنده لبنانی به او بیش از ملاصدرا اهمیت می دهد. در این کتاب تاریخ فلسفه اسلامی از متفکر اصیلی مثل میرداماد فقط یک بار نام برده شده است (ص ۳۲۶) و جالب اینکه اکثر قریب به اتفاق آثار میرداماد به عربی است!

در فصل آخر کتاب، مؤلف از چند نویسنده که گرایش به

مکتب‌های جدید فلسفی غرب (پوزیتیویسم، مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم و ...) داشته اند نام برده که مترجم ایراد می گیرد اینها «هیچ سنخیتی با تفکر اسلامی ندارد». (ص ۳۹۴) البته در عصر ترجمه (قرن دوم و سوم هجری) نیز می شد ایراد گرفته شود که حرف‌های افلاطون و ارسطو (تا چه رسد به حرف‌های ذیمقراطیس و فیثاغورس و غیره) سنخیتی با تفکر اسلامی ندارد، اما سیر تفکر ادامه یافت و مسلمین با ایجاد مکتب‌های توفیقی و تلفیقی موفق شدند زبان مشترکی میان دین و فلسفه پیدا کنند و در این راه از کوشش‌های تلفیقی متفکران مسیحی و یهودی و گنوسیست پیش از اسلام سود جستند؛ چنانکه فلوطین را با ارسطو در آمیختند و مشائیان با طرح نظریه صدور و فیض- که فی الواقع با عقاید بنیانگذار مکتب مشائیان (ارسطو) انطباقی نداشت- چارچوب نظری برای عارفان بعدی و حکیمان متاله پدید آوردند. نکته این است که چون نظریات تلفیقی و توفیقی قدما مشمول مرور زمان شده و از ناحیه آنها خطر و ضرری احساس نمی شود. امروزه حتی نویسندگان مقید به شریعت، به امثال ابوالعلاء و ابن راوندی و ابوحنیفه و نظام و نیز صوفیان افراطی با دید همدلانه یا دستکم غیر خصمانه ای می نگرند. ولی در مقابل معاصران که متأثر از فکر بیگانه اند (مگر نه اینکه افلاطون و ارسطو هم بیگانه بودند) جبهه گیری می شود.

تصور اینجانب این است که کلیت اسلامی از چندگانگی و چندگونگی اندیشگی هیچ زبانی نمی بیند بلکه سود نیز می برد، و انتشار کتب تحلیلی تاریخ فلسفه از گونه همین کتاب- خود قدمی است در راه پیشرفت فکر و تعقل. توفیق مترجمان و ناشر را آرزو مندیم.

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

### مجموعه آثار

ابوعبدالرحمن سلمی گردآوری نصرالله پورجوادی. (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲). ج ۲، ۵۵۱ص، وزیری. جلد اول مجموعه آثار ابوعبدالرحمن سلمی نیشابوری،

مورخ و راوی بزرگ صوفیه و محدث و مؤلف مشهور ایران (۱۳۱۲ق) را ما پیشتر در مجله آینه پژوهش معرفی کرده ایم. (شماره ۳، ص ۴۵). اکنون مجموعه دوم حاوی ده رساله دیگر به شرح زیر منتشر شده است:

\* کتاب السماع، تصحیح شده به وسیله دکتر نصرالله پورجوادی. این رساله نخستین بار در مجله معارف (مرکز نشر دانشگاهی، آذر - اسفند ۶۷) چاپ شده است. کتاب السماع به احتمال قوی نخستین اثر مستقلی است که درباره سماع از سوی صوفیه معتدل نوشته شده و کوشیده شده مجوزهایی برای آن در شرح بیابند. اهمیت چنین اثری در گسترش بعدی موسیقی و مخصوصاً شعر تغزلی (و خمریات) در حوزه های تصوف پیداست. (ص ۵).

\* آداب الصحبة و حسن العشرة، این اثر نخستین بار به سال ۱۹۵۴ توسط م. ی قسطنطی به طبع رسیده است. مقدمه مصحح بر این کتاب توسط آقای سعادت ترجمه شده. ایرادی که مخالفان بر این رساله (و دیگر آثار سلمی) می گرفته اند استفاده از احادیث غیر معتبر است. به طوری که می دانیم در کتب اخلاقی، مؤلف چندان مقید به استحکام روایت نیست و بسیاری اقوال حکیمانه قدما به عنوان روایت در کتب سیر و سلوک و اخلاق آمده است.

\* مناہج العارفین، تصحیح ایتان کولبرگ در سال ۱۹۷۶. مقدمه این اثر، که خلاصه محتوای آن است، توسط مرحوم دکتر احمد طاهری عراقی ترجمه شده است.

\* نسیم الارواح، اثر دیگری از سلمی درباره سماع، تصحیح توسط مرحوم دکتر احمد طاهری عراقی و کاظم برگ نیسی.

\* کتاب کلام الشافعی فی التصوف، تحقیق احمد طاهری عراقی. از جمله آخرین کارهای تحقیقی، مأسوف علیه دکتر طاهری است.

\* کتاب الفتوه، با مقدمه دکتر سلیمان آتش (ترجمه مقدمه به وسیله توفیق سبحانی). این اثر نخستین بار در ۱۹۵۳ به تصحیح فرانتز تمشتر چاپ شده بود و بار دیگر در ۱۹۷۷م (۱۳۹۷ق) در ترکیه به چاپ رسیده و چاپ اخیر در این مجموعه افسست شده است. کتاب الفتوه سلمی از قدیمترین آثار صوفیه در این باره است. (سعید نفسی، سرچشمه تصوف، ص ۱۳۶). طبیعی است که غلطهای چاپی به این چاپ نیز منتقل

شده است؛ مثلاً در عبارت زیر: «و من الفتوة ان يحفظ العبد على نفسه هذه الاشياء الخمسة و لا يخل بواحدة منها: الامانة، و الصيانه، و الصدق، و الصبر، و الاخ الصالح، و اصلاح السريره». (ص ۲۹۹) که ظاهر آعلامت ویرگول بین «الامانة» و «الصيانه» زیادی است و یا در عبارت زیر:

«ليس من اخلاق الله الكرام التواني عن قضاء حوائج الاخوان اذا استمكن منها» پیداست که کلمه «الله» زائد است.

\* الملامتیه و الصوفیه و اهل الفتوة، تصحیح دکتر ابوالعلاء عقیقی، ترجمه مقدمه دکتر عقیقی بر رساله الملامتیه به قلم دکتر مهدی تدین. این مقدمه مفصل عصاره مطالب رساله را تحلیل می کند و با توجه به اینکه رساله ملامتیه سلمی از نخستین و مهمترین آثار درباره ملامتیه است (که کانون اصلیشان نیشابور بوده) تجدید چاپ این اثر برای اهل مطالعه مغتنم می باشد. (چاپ اول: ۱۹۴۵).

\* مساله صفات المذاکرین و المتذکرین، از روی چاپ ۱۴۰۴ (۱۹۸۴) مقدمه این اثر به قلم ابومحفوظ الکریم المعصومی را مهندس حسین معصومی همدانی ترجمه و تلخیص کرده است.

\* المقدمه فی التصوف و حقیقته، به تصحیح دکتر حسین امین (۱۹۸۴).

\* کتاب الاربعین فی التصوف، افسست از روی چاپ: حیدر آباد دکن ۱۹۵۰م.

جالب است که در این اثر نیز حدیث ۳۹ و ۴۰ به اباحه سماع و رقص اختصاص دارد.

این دو مجموعه صرف نظر از طبقات الصوفیه سلمی، اهم آثار سلمی است و طبق آنچه در مقدمه کتاب آمده کارهای دیگری درباره سلمی در دست انجام است.

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

